

پیام به مناسبت همایش جهانی بزرگداشت صدرالمتهلین - 1 / خرداد / 1378

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت همایش جهانی بزرگداشت صدرالمتهلین، پیامی صادر کردند که بعد از ظهر امروز توسط آقای دکتر حداد عادل در آغاز نخستین جلسه این همایش، قرائت شد.

متن پیام مقام معظم رهبری بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

از تشکیل این مجمع بزرگ علمی و فکری که برگرد اندیشه و شخصیت فیلسوف نامدار ایرانی، حکیم صدرالمتهلین شیرازی فراهم آمده، احساس افتخار و مسرت می کنم و خدای سبحان را سپاس می گویم. اگر چه دانسته های دنیای غرب و حتی بخشهایی از دنیای اسلام از این شخصیت کم نظیر چندان وسیع نیست، ولی حوزه های فلسفی ایران لااقل در سه قرن اخیر - یعنی تقریباً از صد سال پس از تألیف کتاب اسفار تا کنون - یکسره از آراء فلسفی صدرالمتهلین تغذیه شده و کتابها و آراء مهم او - که بسیاری از آنها حداقل در قالب استدلالی و عقلانی اش از ابتکارات اوست - محور درس و تحقیق و شرح و تنقیح بوده است.

از طرفه های زمانه این است که صدرالمتهلین، هم بیشترین پیروان و منتحلان فلسفی و هم بیشترین منتقدان و مخالفان را در مدت چهار قرن گذشته داشته است. در این مدت بیشترین مشعلداران فلسفه ی الهی در ایران، دنباله روان و شارحان فلسفه یی به شمار می روند که او با نبوغ و ابتکار خود همچون ناسخ شیوه های معروف مشایی و اشراقی، و مشتمل بر همه ی برجستگیهای آن، بنیان نهاد و مبانی آن را در هزاران صفحه با تقریر رسا و پرجاذبه ی خویش، تبیین کرد. و باز در همین مدت کسان زیادی از منتحلان عقاید او در ابواب وجود و الهیات خاص و معاد و غیره، به همان سرنوشتی دچار شدند که وی در دوران زندگی اش آن را به تلخی آزموده و موطن مألوف را به خاطر آن ترک کرد. البته نقد علمی و تحقیقی آراء او به دور از توسل به طعن و جنجال نیز از دوران یکی از دو شاگرد بلافصل و مقربش تا امروز ادامه داشته و نام آورانی چند از حکمای متأله، در برخی از اصیلترین مبانی دستگاه فلسفی شامخ صدرایی، مناقشات جدی وارد کرده اند. تردید نباید کرد که هم آن تأثیر خاضع کننده بر روی بزرگانی از سرآمدان فلسفی، و هم این برانگیختگی عقیدتی یا علمی از سوی منتقدان و مخالفان، به نقطه ی یگانه ای اشاره می کند که همانا جز عظمت فکری، و نیروی ابداع، و بنیان رفیع فلسفه ی این حکیم بزرگ، چیز دیگری نیست.

مکتب فلسفی صدرالمتهلین همچون شخصیت و زندگی خود او، مجموعه ی در هم تنیده و به وحدت رسیده ی چند عنصر گرانبها است. در فلسفه ی او از فاخرترین عناصر معرفت یعنی عقل منطقی، و شهود عرفانی، و وحی قرآنی، در کنار هم بهره گرفته شده، و در ترکیب شخصیت او تحقیق و تأمل برهانی، و ذوق و مکاشفه ی عرفانی، و تعبد و تدین و زهد و انس با کتاب و سنت، همه با هم دخیل گشته، و در عمر علمی پنجاه ساله ی او رحله های تحصیلی به مراکز علمی روزگار، با مهاجرت به کجک قم برای عزلت و انزوا، و با هفت نوبت پیاده احرامی حج شدن، همراه گردیده است.

همانگونه که فلسفه ی صدرایی - که خود او بحق آن را حکمت متعالیه نامیده - در هنگام پیدایش خود، نقطه ی اوج فلسفه اسلامی تا زمان او و ضربه یی قاطع بر حملات تخریبی مشککان و فلسفه ستیزان دورانهای میانه ی اسلامی بوده است، امروزه پس از بهره گیری چهارصدساله از تنقیح و تحقیق برجستگان علوم عقلی، و نقد و تبیین و تکمیل در حوزه های فلسفه، و ورز یافتن با دست توانای فلاسفه ی نامدار حوزه های علمی بویژه در اصفهان و تهران و خراسان، نه تنها استحکام بلکه شادابی و سرزندگی مضاعفی گرفته و می تواند در جایگاه شایسته ی خود در بنای فرهنگ و تمدن، بایستد و چون خورشیدی در ذهن انسانها بدرخشد و فضای ذهنی را تابناک سازد. مکتب فلسفی صدرالمتهلین همچون همه فلسفه ها در محدوده ی ملیت و جغرافیا نمی گنجد و متعلق به همه ی انسانها و جامعه ها است. همواره همه بشریت به یک چهارچوب و استخوانبندی متقن عقلایی برای فهم و تفسیر هستی نیازمندند.

هیچ فرهنگ و تمدنی بدون چنین پایه ی مستحکم و قابل قبولی نمی تواند بشریت را به فلاح و استقامت و طمأنینه ی روحی برساند و زندگی او را از هدفی متعالی برخوردار سازد. و چنین است که به گمان ما فلسفه ی اسلامی بویژه در اسلوب و محتوای حکمت صدرایی، جای خالی خویش را در اندیشه ی انسان این روزگار می جوید و سرانجام آن را خواهد یافت و در آن پابرجا خواهد گشت.

ما ایرانیان بیش از همه به این فلسفه الهی وامدار و بیش از همه در برابر آن مکلفیم. دوران ما با دمیدن خورشیدی چون امام خمینی که یگانه ی دین و فلسفه و سیاست و خود یکی از صاحب نظران برجسته در حکمت متعالیه بود، و نیز با حوزه ی درسی و تحقیقی پربرکت حکیم علامه ی طباطبایی که استاد یگانه مبانی ملاصدرا در طول سی سال در حوزه ی قم به شمار می رفت، و تلاش تلامذه و هم دوره های آنان، بی شک دوره ی با برکتی برای فلسفه الهی است. و اکنون برپایی این گردهمایی بزرگ از فرزندگان ایرانی و غیرایرانی مژده ی آگاهیهای ژرفتر و گسترده تری در باب فلسفه ملاصدرا می رساند. شاید این یکی از موجباتی شود که مسیر مستقیم و تکاملی و نامتناقض فلسفه که از ممیزات فلسفه ی اسلامی بویژه پس از روشن شدن مشعل حکمت صدرایی است، در ذهن اندیشوران و فیلسوفان غرب، با مسیر پرتقاطع و پرتناقض و پرنشیب و فراز فلسفه غربی در همین چهارصد سال مقایسه شود و فرصت تازه ای برای نقد و بحث در باشگاه جهانی معرفت و استدلال عقلانی، فراهم آید.

در پایان لازم می دانم سپاس عمیق و صمیمانه ی خود را از برگزار کنندگان عزیز این مجمع علمی و نیز از شرکت کنندگان آن ابراز دارم و انتظار خود را برای نشر مجموعه ی آراء صدرالمتألهین در کتابی جداگانه تکرار کنم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سید علی خامنه ای